




**جاده ابریشم: تساهل و مدارای ایرانی
در عصر ایلخانی و تیموری**



علیرضا ذوالقدر

← فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا →

- سرشناسه : ذوالقدر، علیرضا، ۱۳۶۲-
عنوان و نام پدیدآور : جاده ابریشم: تساهل و مدارای ایرانی در عصر ایلخانی و تیموری/ علیرضا ذوالقدر؛ ویراستار اشرف سراج.
مشخصات نشر : تهران: بنیاد ایران شناسی، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری : ۱۳۲ ص: مصور (رنگی)، نقشه (رنگی).
شابک : 978-622-97973-7-2
وضعیت فهرست نویسی : فیفا
یادداشت : کتابنامه
موضوع : جاده ابریشم -- تاریخ -- قرن ۸ - ۱۰ ق.
Silk Road -- History -- 14th-16th centuries
جاده ابریشم -- اوضاع اجتماعی
Silk Road -- Social conditions
جاده ابریشم -- تمدن
Silk Road -- Civilization
ایران -- تاریخ -- تیموریان، ۷۷۱ - ۹۱۱ ق.
Iran -- History -- Timurids, 1370 - 1505
ایران -- تاریخ -- اینجویان، ۷۰۳ - ۷۵۸ ق.
Iran -- History -- Injuids, 1303 - 1356
ایران -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۸ - ۱۰ ق.
Iran -- Social conditions -- 14th-16th centuries
ایران -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی -- ۷۰۳ - ۹۱۱ ق.
Iran -- Social life and customs -- 1303 - 1505
شناسه افزوده : بنیاد ایران شناسی
رده بندی کنگره : DSR۲۵
رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۰۴۲
شماره کتابشناسی ملی : ۹۶۱۶۵۸۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیفا

عنوان: جاده ابریشم: تساهل و مدارای ایرانی در عصر ایلخانی و تیموری
نویسنده: علیرضا ذوالقدر
ویراستار: اشرف سراج
صفحه آرا: معصومه پورحجازی
طراح جلد: طاهره حسینی شکیب
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۹۷۳-۷-۲
ناشر: بنیاد ایران شناسی
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳
شمارگان: ۳۰۰ نسخه
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه واژه پرداز اندیشه

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به بنیاد ایران شناسی است.

نشانی: تهران، خیابان شیخ بهایی جنوبی، خیابان ایران شناسی، بنیاد ایران شناسی

قیمت: ۱,۳۰۰,۰۰۰

۷ سخن ناشر
۹ پیشگفتار
۱۱ دیبایی آراسته به تار و بود فرهنگ ایرانی
۱۵ فصل اول: کلیات پژوهش
۱۷ مقدمه
۱۹ ماوراءالنهر (آسیای مرکزی)
۲۱ درآمدی بر تاریخ سیاسی ایران و ماوراءالنهر (آسیای مرکزی) از یورش مغولان تا پایان تیموریان
۲۹ فصل دوم: تجارت و بازرگانی در جاده ابریشم
۳۱ مقدمه
۳۱ جاده ابریشم
۳۳ شهرها
۳۶ راه‌های بازرگانی و تجاری
۴۱ تاجران جاده‌ها
۴۳ ارباب حرفه‌ها و صنایع
۴۶ نتیجه
۴۷ فصل سوم: فرهنگ و هنر در جاده ابریشم
۴۹ مقدمه
۵۰ تاریخ فرهنگی
۵۲ فرهنگ و گفتگو در جاده ابریشم

۵۳	کاغذ
۵۶	کتاب
۵۹	کتابخانه
۶۳	نقاشی، نگارگری، معماری
۶۹	زبان
۷۱	تعلیم و تربیت
۷۴	مدارس آذربایجان
۷۵	مدارس سلطانیه
۷۶	مدارس تبریز
۷۶	مدارس فارس
۷۷	مدارس شیانکاره
۷۷	مدارس اصفهان
۷۸	مدارس یزد
۷۹	مدارس کرمان
۷۹	مدارس هرات
۸۲	جاده دین
۹۱	نتیجه
۹۳	فصل چهارم: زندگی روزمره در جاده ابریشم
۹۵	مقدمه
۹۵	امور ماوراءالطبیعه و زندگی روزمره
۱۰۰	خوراک و پوشاک
۱۰۷	سرگرمی و جشن
۱۰۹	یکجانشینی و کوچ‌روی
۱۱۱	ازدواج و تولد
۱۱۴	بیماری، مرگ و سوگواری
۱۱۸	نتیجه
۱۱۹	فرجام سخن
۱۲۲	جمع‌بندی
۱۲۵	منابع

«اسلام و آداب و فرهنگ اسلامی، جزء فرهنگ ملی ماست. «ملی»، مقابل «اسلامی» نیست؛ عین همان اسلامی است.» ... «هویت ایرانی در تاریخ چیز عجیبی است؛ همه کسانی که به ایران تهاجم کردند، بعد از مدتی زبانشان، آدابشان، فرهنگشان به یک نحو در ایران حل شد. تنها چیزی که مستثنی است، اسلام است که به ایران آمد، در ایران غرق نشد، ماند. ایرانی، اسلام را از بین دندان قبول کرد. در کشورهای مورد تهاجم عرب‌های مسلمان - مصر، فلسطین و شامات - زبان عوض شد؛ اما ایران، زبانش عوض نشد و فارسی باقی ماند؛ این خصوصیتی است که متعلق به کشور ما است.» ... «نسلی که خودکامدخته است، دارای هویت است؛ هویت ایرانی - اسلامی محکم و عمیقی دارد، دل‌باخته و فریفته این و آن و بازمانده‌های تمدن منسوخ‌شده شرق و غرب نیست؛ نسلی است دانا، دانشمند، کارآمد، ماهر، آشنا به سبک زندگی اسلامی و سنت‌های ایرانی؛ یک چنین نسلی لازم است تا بتواند آن تمدن [نوین اسلامی] را بسازد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۰۱۸. ۱۳۸۷. ۸. ۲۰؛ ۱۳۹۴. ۸. ۲۱؛ ۱۴۰۱. ۲. ۲۱).

بنیاد ایران‌شناسی با بهره‌گیری از مساعدت استادان و محققان ایران پژوه در مناطق گوناگون کشور و نیز در جهان، مترصد تحقیق برای تقویت هویت ملی ایرانیان در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، از طریق زمینه‌سازی برای انجام مطالعات و تحقیقات درخصوص مسائل تاریخی، تمدنی، فرهنگی، هنری و دینی کشور ایران است.

شناختن و شناساندن موارث ایرانی در جای‌جای ایران، از طریق پژوهش‌های چندوجهی ایران‌شناسانه در زمره مأموریت‌های این بنیاد است تا بتوان با رجعتی درونی به خود، ایران و ایرانی را، نه از منظری غیربومی و مستشرقانه، بلکه با نگاهی درونی و خودباورانه «شناخت» و «شناساند». بنیاد ایران‌شناسی در جایگاه مؤسسه‌ای پژوهشی، آموزشی و فرهنگی، با نظر داشت اهدافی در اساسنامه خود، دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه، الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی و دیگر اسناد بالادستی کشور، اینک در مسیری گام نهاده که شناختن و شناساندن فرهنگ و تمدن ایران زمین در ادوار مختلف تاریخ پرافتخار آن، به‌ویژه دستاوردهای انقلاب شکوهمند اسلامی به ایرانیان و غیرایرانیان، از جمله اهداف و مأموریت‌های پژوهشی اصلی آن است. همچنین همگامی پژوهشی در مسیر ایجاد تمدن نوین ایران اسلامی، از

طریق تعمیق شناخت از «هویت ملی و دینی ایرانیان» و «ادوار شکوفایی فرهنگ و تمدن ایران» در برنامه پژوهشی بنیاد، هدف‌گذاری شده که از طرق گوناگون دنبال می‌شوند: طراحی و اجرای طرح‌های خرد و کلان پژوهشی، همایش‌ها و سلسله‌نشست‌های پژوهشی، انتشار نشریات تخصصی و ... در این میان، بخشی از برون‌داد فعالیت‌های پژوهشی انجام‌شده در حوزه مطالعات ایران‌شناسانه، در قالب کتاب منتشر شده و در دسترس پژوهشگران کشور قرار می‌گیرد که کتاب پیش‌رو، یکی از آنها است. بنیاد ایران‌شناسی از همفکری و همکاری استادان و پژوهشگران علاقه‌مند به تحقیق و تتبع در تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران، برای شناختن و شناساندن موارث پرافتخار این سرزمین، استقبال می‌نماید و امیدوار است با انتشار دستاوردهای پژوهشی خود و یا نشر نتایج تحقیقات پژوهشگران ایران‌دوست، به پشتوانه توفیق الهی، در ادای دین به ایران عزیز، سهمی داشته باشد.

بنیاد ایران‌شناسی

www.ketab.ir

پیشگفتار

جاده‌های تجاری و فرهنگی که از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب دنیای کهن گسترده بودند، در دو سده اخیر (از ۱۸۷۶م) به جاده ابریشم مشهور شده‌اند. در این جاده‌ها علاوه بر لشکرکشی‌های نظامی، آمدوشد کاروان‌های تجاری، مهاجرت‌های بزرگ و رویدادهای گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی نیز مبادله می‌شدند. ایران و سرزمین‌های پیرامونی آن، به‌ویژه در ماوراءالنهر (آسیای مرکزی)، را می‌توان قلب جاده‌های بزرگ ابریشم و پل میان فرهنگی جاده‌ها نامید. در پی یورش مغولان و هرچیده‌شدن خلافت عباسی و موانع فرهنگی و سیاسی ناشی از آن، تعاملات فرهنگی بین ایران، ماوراءالنهر و چین گسترش یافت. انتقال مؤلفه‌های فرهنگی در جاده ابریشم میان ایران و ماوراءالنهر و چین در دوره ایلخانان و تیموریان موجب خلق آثار بدیع و نو در زمینه هنرها، معماری، تاریخ‌نگاری و ادبیات شد. بررسی تاریخ فرهنگی جاده ابریشم در ایران و ماوراءالنهر در عصر ایلخانان و تیموریان نشان می‌دهد که ارتباط در این جاده‌ها بر مؤلفه‌هایی مانند دین، زبان، آداب و رسوم، جهان‌بینی و باورهای مشترک استوار بوده است.

این پژوهش سه هدف را پیش رو داشته است؛ اول آنکه نشان دهد تاریخ تنها گزارش جنگ‌ها، آمدوشد حاکمان و سلاطین نیست، بلکه شرح زندگی روزمره مردمی است که همواره نادیده گرفته شده‌اند. دوم، زمانه هجوم مغولان و ایلخانان و سپس تیمور و اولاد او در ایران گرچه با کشتار همراه است، عهد رونق و شکوفایی هنری و فرهنگی نیز به‌شمار می‌رود. سوم، اهمیت و نقش راه‌های تجاری و جاده ابریشم را در ارتباطات میان فرهنگی در عصر ایلخانی و تیموری نشان دهد.

پژوهش حاضر خود را وامدار همه پژوهشگرانی می‌داند که از آثار آنان در اینجا استفاده شده است. گرچه این پژوهش تاریخی است، نمی‌توان تنها به آثار تاریخ‌نگاری عصر مورد نظر بسنده کرد، زیرا آثار تاریخ‌نگاری فقط گزارش‌هایی از رخدادها و رویدادها با محوریت امرا و حاکمان است و از آنجاکه مورخان دوره مورد پژوهش نمی‌توانستند عامل دیگری را علت تغییرات تاریخی بدانند، از ذکر سایر موضوعات صرف‌نظر کرده‌اند. بنابراین شناسایی و کشف مؤلفه‌های فرهنگی و بازسازی تاریخ ایران و آسیای مرکزی در عصر مغولان و تیموریان (و البته سایر ادوار تاریخ ایران) با مراجعه و مطالعه آثار ادبی و دینی میسر خواهد بود. این آثار جان‌مایه جهان‌بینی انسان ایرانی ادوار تاریخ است. مطالعه

و بازسازی تاریخ ایران جز از طریق درپیش گرفتن نگاهی تاریخی به رویدادها و حوادث امکان‌پذیر نخواهد بود. حقیقت امری ذاتی و درونی نیست، بلکه امری تاریخی است.

کتاب در چهار فصل تنظیم شده و در پایان به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مطالب پرداخته است. فصل اول درباره کلیات پژوهش است. فصل دوم به معرفی جاده ابریشم، شهرهای مستقر در طول این مسیر، و مسیرهای تجاری پرداخته و سپس نشان می‌دهد که بازرگانان از نژادها و سرزمین‌های مختلف در طول این مسیر به تجارت مشغول بوده‌اند. در فصل سوم، مؤلفه‌های فرهنگی از قبیل زبان، دین و هنر مطالعه شده است. در فصل چهارم نشان داده شده است که مردم زندگی روزمره خود را براساس کدام باورها سامان می‌دادند و اموری از قبیل جشن‌ها، سوگواری‌ها، امور ماوراءالطبیعه، ازدواج و تولد توضیح داده شده است.

این پژوهش برگرفته از رساله دکتری مؤلف در رشته تاریخ ایران در دوره اسلامی با عنوان «تاریخ فرهنگی جاده ابریشم با تأکید بر ایران و آسیای مرکزی (سده‌های هفتم، هشتم و نهم ق)» است که در اسفند ۱۴۰۰ در گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی از آن دفاع شد. استاد راهنمای رساله، آقای دکتر حسن باستانی واد، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و نیز نماینده پروژه جاده ابریشم یونسکو و رئیس مرکز پژوهشی جاده ابریشم در دانشگاه شهید بهشتی است. این پژوهش در سایه مساعدت و راهنمایی آقای دکتر حسن باستانی راد انجام پذیرفت. انسانی که وجودش سراپا تواضع و مهربانی است. معلمی که نه تنها دانش، بلکه اخلاق و انسانیت به من آموخت.

این رساله با حمایت و پشتیبانی بنیاد ایران‌شناسی در قالب کتاب پیش‌رو چاپ و منتشر شده است. نگارنده مراتب تقدیر و سپاسگزاری خود را از سرکار خانم دکتر سیده راضیه یاسینی، معاون محترم پژوهشی و همکارانشان از جمله خانم‌ها زینب خیردوست و مهرنوش کاوسی اعلام می‌دارد.



دیبایی آراسته به تار و پود فرهنگ ایرانی

مادامی که از «تاریخ فرهنگی» در گستره جهانی سخن به میان می‌آید، ایران و فرهنگ ایرانی با همه شاخص‌های آن جزء سرزمین‌ها و فرهنگ‌هایی است که سهم شایسته‌ای در تکوین تمدن و فرهنگ جهانی دارد. از دیگر سو، تاریخ فرهنگی ایران نشان‌دهنده آن است که فرهنگ برآمده از این سرزمین همواره به ویژگی‌هایی مانند تنوع، تسامح و مدارا با فرهنگ‌های دیگر و در همان حال اثرگذار در آنها، دوام و ماندگاری، پویایی و تحول، ریشه و پیشینه کهن و ستوده شده، آفرینش و خلاقیت شناخته شده است. این همه باعث شده تا فرهنگ ایرانی به شایستگی در زمره میراث مشترک جهانی درآید و این بزرگ‌ترین افتخار برای همه آنانی است که در طی هزاره‌ها در آفرینش آن نقش ایفا کرده‌اند. ایرانیان همواره باور داشته‌اند «که فرهنگ آرایش جان» است و همواره آن را به «دیگران» ارزانی داشته‌اند.

جاده‌های تجاری و فرهنگی کهن که درهم‌تنیدگی و زندگی بخشی را به مثابه رگ‌های تن به همه «اعضای پیکر» انسان هدیه داده‌اند، پیوندهای اقتصادی و تجاری، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را برقرار ساخته و از این رو، صرفاً تجاری نبوده‌اند که ابریشم و یشم، ادویه و پوست، کاسه و کوزه، و یا جنگ و شمشیر، گروه‌های مهاجر و یا مهاجم، جوامع و نهادهای اجتماعی را مبادله کنند و از جایی به جایی ببرند، بلکه این جاده‌ها در همان حال جاده صلح دوستی، کتاب و علم، دین و عرفان، هنر و زیبایی، اندیشه و دانایی، زبان و ادبیات، آداب و رسوم و جاده تعاملات فرهنگی بوده‌اند. از این رو زمانی که سخن از جاده‌هایی که در دو سده گذشته به جاده‌های ابریشم شهره شده‌اند به میان می‌آید، منظور و مراد هرگونه تعاملاتی است که از روی پل‌های این جاده‌ها گذشته، بر و پشت شتران دوکوهانه بلخی و یا اسب‌های مادی، کاسپی، عربی، فرغانه‌ای در کاروان‌های تجاری و فرهنگی نشسته از پل‌های دوستی گذشته و در کاروانسراهای اندیشه منزل کرده تا از سرزمینی به سرزمینی دیگر و از فرهنگ، قوم و ملتی به دیگری منتقل شود؛ امروز نیز این رسم دیرینه به شیوه‌های گوناگون ادامه دارد و تعاملات فرهنگی از مجرای صنعت، تکنولوژی، گفتگوهای جهانی و پیوندهای دوستی ساری و جاری و اثرگذار است.

در جاده‌ها، شیوه‌های زندگی شهری، نمادهای تمدنی و معماری و شیوه‌های تولید و زندگی کشاورزی و آثار و دستاوردهای هنری از جایی به جایی و از خودی به دیگری عرضه می‌شد. همه اقوام، ملت‌ها و سرزمین‌های کنار این جاده در رونق اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن نقش داشته‌اند. همه دستاوردهای بشری از این جاده در برقراری ارتباط میان اقوام و سرزمین‌ها تأثیر پذیرفته‌اند: علوم، اندیشه‌ها و مکاتب فکری، ادیان، نظام‌های اداری، شیوه‌های اقتصادی، هنرها، زبان‌ها، ادبیات و شعر اقوام گوناگون در مسیر همین جاده‌ها تکامل و شکوفایی یافته‌اند. بسیاری از لشکرکشی‌ها در مسیر این جاده‌ها روی داده است و بسیاری از مهاجرت‌های بزرگ از همین مسیرها انجام شده است. از این رو است که این جاده‌ها را می‌توان به نام رویدادهای فرهنگی، هنری و حتی سیاسی و اجتماعی نیز نامید: جاده هنر، جاده اندیشه، جاده علم، جاده گفتگو، جاده توسعه، جاده جذابیت‌ها، جاده فرهنگ‌ها، جاده تمدن‌ها، جاده عرفان و تصوف، جاده مهاجرت، جاده زیارت، و...

جاده‌ها روح و هویت را در فرهنگ و تمدن بسیاری از مردمان ساکن کناره خود دمیده‌اند و مانند تار و پود ابریشم همه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را به هم پیوند داده‌اند؛ از این رو بسیاری از فرهنگ‌ها و سرزمین‌های کناره جاده‌ها در شکوفایی تمدن جهانی، هم‌ریشه و همزاد بوده‌اند. زبان، آداب، رسوم، باورها، سورها و سوگ‌ها در میان فرهنگ‌های گوناگونی که در مسیر این جاده‌ها قرار دارند، پیوند ناگسستنی دارد و در ماهیت نمادین جاده‌های موسوم به ابریشم و ریشه مشترک تاریخی کشورهای کناره آنها خودنمایی می‌کند و تمدن امروزی جهان به آن مدیون است.

برخلاف کوشش‌های بی‌حاصل برخی از کشورها که سرزمین خود را به‌عنوان آغازکننده جاده‌ها معرفی می‌کنند، هیچ شهر و کشوری را نمی‌توان نقطه کانونی و سرآغاز و سرانجام جاده‌ها نامید؛ جاده‌ها چون با مفهوم «ارتباط و پیوند» گره خورده‌اند و پیونددهنده هستند، نمی‌توان یک آبادی، شهر، کشور، ملت، قوم و فرهنگ را آغازکننده جاده‌ها مشخص کرد. همچنین، «داد و ستد» و «آمد و شد» نیز دست‌کم دو سویه است و چند جانبه. همه شهرها و روستاها می‌توانند آغازکننده آن ارتباط، پیوند، داد و ستد و آمد و شد باشند؛ از جزایر ژاپن و شبه جزیره کره، تا شهرهای آباد روستاهای پرنعمت چین؛ از دشت‌ها و صحراهای سرد و سوزان آسیای مرکزی تا آبادی‌های سرزمین هفت‌اقلیم ایران؛ از جلگه‌های پرنعمت کارون و دجله تا بادیه‌های شام و بادیه‌نشینان عرب؛ از ساحل‌نشینان خلیج فارس و عمان تا زنگبار و شبه‌قاره؛ از بنادر آباد مدیترانه تا جنگل‌نشینان و دشت‌نشینان اروپا. هیچ‌کدام نقطه آغازین جاده‌ها نیستند، اما هر کدام در ارائه بخشی از میراث فرهنگی و تمدنی در تاریخ جاده‌ها ممکن است نقش و سهمی بیش از دیگری داشته باشند و این یعنی نمایش باشکوه وحدت و کثرت که به زیبایی می‌توان آن را در مولفه‌های گوناگون فرهنگی در گستره ایران‌زمین جستجو کرد.



از این رو، جاده‌های ابریشم برخلاف آنچه از نام آن تصور می‌شود یک بزرگراه یا شاهراه کاروانی نیست که از آسیا تا اروپا و آفریقا امتداد داشته باشد. بلکه، بستر پهناور یک جریان بازرگانی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی است که در طی گذر آن تعاملات گوناگون انجام شده و میراث مشترک جهانی را پدید آورده که در میانه آن ایران نقش یک «پایگاه و پل میان فرهنگی» بی‌نظیری داشته است. با این وصف «تاریخ فرهنگی ایران» در «جاده‌های ابریشم» و هر نامی که براننده آن باشد، نماینده شایسته‌ای است برای ترسیم نقش این جاده‌ها در تعاملات فرهنگی. ایران «پل میان فرهنگی» بین جوامع و فرهنگ‌های گوناگون بوده و هست. و امروزه باید این پل الگویی شایسته برای صلح، توسعه و پویایی در جهان باشد. «تاریخ فرهنگی جاده ابریشم در ایران و آسیای مرکزی» نیز همین هدف را دارد و نشان‌دهنده تعاملات فرهنگی در گستره جهانی است و پژوهش پیش‌رو، یک جام از دریای بیکران تاریخ فرهنگی، و یک جوی از هزاران جویبار فرهنگ ایران‌زمین در پیوند با دیگر فرهنگ‌ها بر «ریسمان فرهنگی» جاده‌های ابریشم را آن هم در یک زمان مشخص از تاریخ میانه ایران به خوانندگان ارزانی می‌کند.

با این وصف، این کتاب توانسته است بخش‌هایی از تاریخ فرهنگی جاده ابریشم در ایران و آسیای مرکزی را در زمانه‌ای که در پی یورش مغولان، ارتباطات تاریخی ایرانیان با شرق و بخش‌های مرکزی آسیا و از جمله با کشور چین بیشتر شد، به تحقیق بنشیند. اگرچه در این زمینه تحقیقات چندی از سوی صاحب‌نظر در موضوعات گوناگون تاریخ هنر و فرهنگ عصر میانه ایران و اسلام و با تأکید بر زمانه مغول - ایلخانی انجام شده است، اما نخستین تحقیقی است که رویکرد تاریخ‌پژوهی را توأمان با تاریخ فرهنگ و هنر، تاریخ جاده ابریشم و گستره جغرافیایی ایران و آسیای مرکزی با تأکید بر آن قلمرو زمانی در پیش گرفته است.

کتاب ارزشمند «جاده ابریشم: تساهل و مدارای ایرانی» که بر اساس پژوهش‌های آقای دکتر علیرضا ذوالقدر در رساله دکتری و به راهنمایی نگارنده در گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی سامان یافته است، عصاره نقش ایران در تاریخ فرهنگی جاده ابریشم در عصر مغول - ایلخانی و تیموری است. این اثر به کوشش و درایت «بنیاد ایرانشناسی» این بخت و اقبال را داشته که به زور نشر آراسته گردد. بر نگارنده نیز بایسته است که مراتب سپاسگزاری خود را به پیشگاه ایشان که دغدغه انتشار میراث و تاریخ فرهنگی ایران را با رویکرد توجه به پژوهش‌های نو و اصیل دارند اعلام نماید.

حسن باستانی راد

رئیس مرکز پژوهشی جاده ابریشم دانشگاه شهید بهشتی
و نماینده ایران در برنامه جاده ابریشم سازمان یونسکو